

## نقش گروه‌های تسهیل‌گر اجتماعی در توسعه شهر تهران در جمهوری اسلامی

رضا پریزاد<sup>۱</sup> و محمود ولی زاده<sup>۲</sup>

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم ایران. ( نویسنده مسوول) r\_parizad@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم ایران. mahvalizadeh46@gmail.com

### چکیده

توسعه شتابان شهری در چند دهه اخیر زندگی بشر را از ابعاد مختلف تحت تأثیر قرارداده است و تسهیل‌گرهای اجتماعی می‌توانند نقش بسزایی را در این مهم بازی کنند. از آنجا که توسعه شهر مستلزم همکاری بین نهادهای مردمی و دولت می‌باشد این سوال پیش می‌آید که چه نهادهایی و با چه کیفیتی خارج از وظایف دولت، تأثیر بیشتری در پیشرفت جریان توسعه شهر ایفا می‌کنند؟ لذا این تحقیق در جستجو یافتن پاسخ به سوال فوق است. به عبارتی هدف این تحقیق نقش گروه‌های میانجی یا تسهیل‌گر در توسعه شهر و ارتباط آن را با فرایندهای رسمی توسعه شهری مورد بررسی قرار دهد. با این فرضیه که گروه‌های مردم نهاد، گروه‌های خصوصی و داوطلبانه تسهیلگران اجتماعی را تشکیل می‌دهند همکاری بین این گروه‌ها با دولت همسو با توسعه شهر بسیار تاثیر گذار می‌باشد. چرا که به نظر می‌رسد در دنیای کنونی با پیچیدگی‌های فعلی، دولت به تنهایی قادر به پیشبری امور در حوزه توسعه شهری نیست و نهادهای عمومی و تشکلهای مردمی و یا گروه‌های اجتماعی میتوانند سهم بسزایی را در این حوزه ایفا کنند.

واژه‌های کلیدی: گروه‌های تسهیل‌گر اجتماعی، توسعه شهر

## مقدمه

در حال حاضر دفاتر تسهیل‌گری و توسعه اجتماعی در شهرها با هدف شناسایی ظرفیت‌های محلات و در راستای پیشبرد اهداف توسعه شهری، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است. گروه‌های اجتماعی از انسانهایی که با یکدیگر روابط متقابل داشته و میان آنها کنش متقابل اجتماعی برقرار است و این ارتباط به انتقال گوناگون مانند گروه‌هایی تسهیل‌گر اجتماعی و گروه‌های مردم‌نهاد، بخش عمومی، بخش خصوصی و تشکیلات متعدد متجلی می‌شود، تشکیل شده است. حق شهروندی، یک حق بشری است که شامل دلبستگی شهروندان به شهر و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی نادیده گرفتن از جنس، سن، نژاد و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و فقط به دلیل انسان بودن، شایسته بهره‌مندی از این حق را داراست. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود، در حالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاست‌گذاری‌های شهری، تصمیم‌گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصاد شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می‌شود. پژوهش‌های زیادی در زمینه ارتباط شهروندی با همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انواع آسیب‌های اجتماعی انجام شده است. بالا رفتن سطح زندگی عمومی افراد هر جامعه متأثر از توسعه شهری در آن منطقه است. بنابراین برای تحقق اهداف طرح‌های توسعه شهری که به دنبال بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه می‌باشد، لازم و ضروری است که میزان سرمایه‌های آن جامعه بررسی و تجزیه شود. در این راستا باید به این مبحث اهمیت بسیار داد که انسانها گروهی زندگی می‌کنند، گروهی تصمیم می‌گیرند و گروهی اقدام می‌کنند. تسهیل‌گر کسی است که با اطلاع از جریان‌ها و واکنش‌های گروه، دانش خود را به کار می‌بندد تا ساختار لازم را برای یک یا چند گروه فراهم آورده تا به صورت مشارکتی در بهترین زمان ممکن بهترین نتیجه عاید گردد. تسهیل‌گر از اصول پویایی گروه استفاده می‌برد تا بتواند با تکیه بر مشارکت شرکت‌کنندگان و با تمرکز به محتوای لازم، فرآیندی را به وجود آورد تا نتیجه مناسب در توسعه به معنای عام و توسعه شهری به معنای خاص این تحقیق حاصل شود، از نقش تسهیل‌گرها در توسعه شهر می‌توان به ارتباط میان تشکل‌های مردم‌نهاد، نهادهای غیردولتی، گروه‌های میانجی از جمله NGO ها و CBOها در ارتباط با دولت و نهادهای دولتی و توسعه شهری نام برد.

## بیان مساله:

توسعه شهری بدون توجه به لازمه‌های یک حکمروایی مطلوب غیرممکن است. از ویژگی‌های نگرش مذکور توجه و تقد اساسی به نقش و حضور مردم در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست. امروزه اجرای سیاست‌ها، راهبردها و حتی حوزه عملیاتی نیز در بخش توسعه شهرها بدون حضور پررنگ مردم تقریباً غیرممکن است. لذا تسهیل‌گران اجتماعی که به عنوان بازوهای شکل گرفته شهروندان به شمار می‌آیند، در فرم نهادهای عمومی و غیردولتی، گروه‌های اجتماعی نظیر NGO ها و CBO ها و PVOها نقش خود را در این اثرگذاری اعمال می‌کنند کمبود حضور و اثرگذاری این گروه‌ها قطعاً می‌تواند سد محکمی در برابر برخی نگرش‌های بسته و قطعیت‌گرا در حیطه اجرای سیاست‌های توسعه شهری باشد. لذا اکثر دولت‌ها تلاش میکنند که سیاست‌های اجرایی در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری را که منتهی به توسعه شهر و شهرنشینی میگردد، تا حدود زیادی با شرایط گروه‌های اجتماعی یکسان و هماهنگ کنند. این مهم نه تنها ضرورتی موضوعی بحساب می‌آید، بلکه در بررسی‌های عمیق از شرایط موفقیت برنامه‌ها نشان میدهد که استفاده از گروه‌های ذکر شده غیر قابل‌گریز و واجب است. از طرفی در برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی پنجم و ششم توسعه بر ظرفیت‌های مردمی و مشارکت شهروندان و روستا در توسعه مملکت تاکید شده است. این تاکید با توجه به سیر حرکتی کشور در حوزه شهرگرایی و شهرنشینی دو چندان احساس می‌شود. بخش خصوصی به عنوان کاربر دار یا پیمانکار در حوزه توسعه نقش پر کاری دارد. الگویی که در کشورهای صنعتی و پیشرفته قابل مشاهده است، این است که کلیه کارهای توسعه با نظر و نظارت دولت و اقدام بخش خصوصی صورت می‌گیرد و لذا حذف بخش خصوصی در جریان توسعه، حذف یک جریان قدرتمند است که باعث به تاخیر افتادن توسعه می‌شود، لذا بخش خصوصی و نقش آن در توسعه غیر قابل انکار است و مطالعه چند و چون این نقش واجب و

لازم است. با توجه به جستجوها و مطالعات صورت گرفته می توان گفت در روابط با نقش گروههای تسهیل گر اجتماعی در توسعه شهر رشت تا کنون تحقیقی صورت نگرفته ولی در بعضی از شهرهای کشور و خارج از کشور در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله پژوهشهایی در مورد CBO، NGO، نهادهای غیر دولتی، تشکل های مردم نهاد، گروههای میانجی و همچنین توسعه شهرها صورت گرفته است. توانمند سازی راهبردی است که می تواند باعث توسعه اجتماعات محلی و دربردارنده مقاومت در برابر گوشه گیری افراد و کاهش و وابستگی آنان امکان انتخاب بر اساس خواسته های خود و غیره شود. راهبردهای اساسی برای توانمند سازی جوامع محلی در راستای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها می تواند به کار گرفته شود.

### تعریف مفاهیم:

#### محله

از نظر لغوی در فرهنگ دهخدا از محله به معنای فرود آمدن یاد شده است و از محور به معنای گردش و چرخیدن نام برده شده است و در آخر می توان از محله محوری به عنوان گردش محله و امورات آن به دست شهروندان ساکن در آن نام برد (دیوشلی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). محله در ساده ترین تعریف عبارت است از خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص که ساکنان این خانه ها با هم روابط شخصی و تعامل رو در رو دارند و میزانی از همبستگی اجتماعی در بین آنها وجود دارد. به عبارت دیگر محله یک فضای اجتماعی-جغرافیایی است که محدود و مبتنی بر روابط اجتماعی گرم و تعاملات رو در رو می باشد. همسایگان است (معدیفر و مقدم، ۱۳۸۹: ۱۲۸). محله محوری اعتماد افراد محل به یکدیگر، روحیه همکاری و همبستگی، تمایل به حضور در عرصه های مدنی، وجدان کاری برای کسبه محل، انضباط و تلاش، تقویت هوش محله ای و افزایش سرمایه اجتماعی در سطح کلان و خرد است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۵). محله مبنا و همراه با مفاهیمی چون مشارکت و سرمایه بر این اساس برخی از دیدگاهها، اجتماعی و توجه به مردم قرار گرفته است (Bullen، ۲۰۰۰) در حقیقت مفهوم محله در بافت سنتی ایران به مثابه سلول اصلی شهر سنتی سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب یا فرقه ای خاص است. جامعه شهری رنگ گرفته از نظام عشیرتی در روند شکل گیری خود مجموعه هایی را ایجاد کرد که به محله معروف شدند. از ابتدای بنای شهرهای اسلامی و حتی قبل از اسلام، هر قوم و قبیله ای تحت شرایط خانوادگی، منافع مشترک و شبکه های خویشاوندی خود محله جداگانه ای در شهر بنا می کرد. نیاز به همبستگی داخلی از طرفی و تحدید گروه اجتماعی خودی در مقابل دیگران از سوی دیگر، لزوم خودکفایی نسبی را در زمینه خدمات و تاسیسات لازم توجیه می کرد (پاکزاد، ۱۳۶۹: ۱۸) محله مکانی است که ابزار و سرمایه های گوناگون مانند سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و فکری، سرمایه اجتماعی، سرمایه مالی و ... را که باعث بهبود کیفیت زندگی ساکنان محله می گردد فراهم می آورد (Ronald، ۲۰۰۰) و همچنین چپ من محله را منطقه وسیعی می داند که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص قابل شناسایی است به گونه ای که فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس می کند و شهروندان گداندنده اصلی آن به شمار می روند (چپ من، ۱۳۸۴: ۱۹۰). محله محوری در قالب اصل همسایگی مطرح است و چنین است که مسلمانان ملزم به تلاش فراوان در جهت تقویت روابط همسایگی و حفظ حقوق همسایگان هستند؛ همانگونه که در قرآن و سنت آمده است (مطهری، ۱۳۷۸: ۷۵). در چارچوب نظریه توسعه ی محله، محله گرایی را می توان به دو صورت تعبیر نمود. یکی آنکه فضای شهر و اجتماع شهر را به واحدهای کوچک تر تقسیم و اداره شهر را بر اساس تقسیمات سازمان دهیم. این تقسیم بندی ممکن است کاملاً ساختگی و بی اثر و یا تفرقه زا و مضر باشد. تعبیر دیگر محله گرایی آن است که به فضای شهر و مردم آن در سطح پرداخته و به جای آنکه از فضای قله ی بلند به شهر بنگریم از نزدیک با مردم و فضای شهری در تماس باشیم و شهر را در این بعد بشناسیم. این نوع محله گرایی بالقوه انعطاف بیش تری دارد و امکانات جدید در جهت شناسایی و اداره شهر به همراه دارد (مدنی پور، ۱۳۸۳: ۱۹).

#### گروه های تسهیل گر اجتماعی

در فرهنگ لغت تسهیل گری به معنای ساده سازی یا کمتر کردن مشکلات با کمک حرکت به سمت جلو است بنابراین فرد تسهیل گر فرآیند ساده سازی و کم کردن مشکلات را انجام می دهد. در حقیقت، تسهیل گری فرایندی است که طی آن سعی

می شود ابزار ابتکار عمل، تصمیم گیری، خلاقیت به افراد و گروههایی که تابحال به هر علت در حاشیه بوده اند و فرصت مشارکت نداشتند، انتقال یابد و نقش و فعالیت اعضای گروهی به صورت قابل توجهی تداوم داشته تا اینکه افراد به توانمندی برسند. تسهیل گری راهی است برای رهبری بدون این که زمام امور به دست گرفته شود. وظیفه ی تسهیل گر، آماده کردن دیگران برای به عهده گرفتن مسوولیت و رهبری است. مشارکت اجتماعی و بهره مندی از سرمایه اجتماعی رگ حیات توسعه پایدار کالبدی است.

دفتر تسهیلگری: مجموعه‌ای است حقوقی متشکل از کارشناسان اجتماعی، شهرسازی، معماری، اقتصادی و حقوقی که وظیفه آن شناخت فرصتها، اعتمادسازی، آگاه‌سازی، نهادسازی، پیگیری اجرای پروژه‌های نوسازی و ترغیب ساکنین به نوسازی در بافت فرسوده است.

### دلایل تشکیل دفاتر خدمات نوسازی و تسهیلگری

- ۱- فرسودگی بخشی از مکانهای اسکان مردم
  - ۲- فرسودگی نظام اقتصادی و جایگزینی رکود و حذف فعالیت اقتصادی
  - ۳- توسعه فقر و کاهش سرمایه اجتماعی
- اهداف تشکیل دفاتر خدمات نوسازی و تسهیلگری محلات
  - ایجاد بسیج عمومی برای تحقق نهضت نوسازی
  - ایجاد هسته های مردمی ترویج نوسازی
  - توسعه نقش بخش غیردولتی در اجرای فعالیت های عمرانی
  - توسعه بخش تعاون و اشتغال زایی واقعی
  - اعتماد سازی به برنامه های دولت

### توسعه شهر

توسعه شهر فرایندی است متأثر از عوامل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی که در طول تاریخ مراحل مختلفی را طی کرده است.

### نهاد اجتماعی و نهادگرایی

در لغت نامه‌های فرانسه- فارسی و انگلیسی- فارسی لغات بنگاه، موسسه، برقرارسازی، برپاسازی، تاسیس، برقراری رسم، معمول، عرف، برگماری، تعیین، معادل اصطلاح Institution ضبط شده‌اند و جای لغت نهاد فارسی در بین این همه معنی خالی است. از این رو با توجه به آن دسته از معانی نهاد در متون فارسی و معنی تاسیس و موسسه در لغت نامه‌های فرانسه و انگلیسی که مفهوم جامعه شناسی دارند، به نظر می‌رسد به کار بردن لفظ نهاد (فارسی) معادل اصطلاح Institution که در چهل و چند سال پیش به وسیله استاد دکتر غلامحسین صدیقی برای اولین در درس‌های جامعه شناسی به کار رفته است و مورد قبول جامعه شناسان و مردم شناسان و مولفان و مترجمان کتب جامعه شناسی و انسان شناسی در ایران قرار گرفته، انتخابی اصولی و به جا بوده است. نهاد از جمله اصطلاحات جامعه شناسی است که کمتر مورد بحث قرار گرفته است، اگر هم در کتاب‌های علوم اجتماعی (تالیف - ترجمه) که به فارسی منتشر شده اند، از آن سخن رفته است تنها به یک یا چند تعریف کوتاه و ناقص و متفاوت از نهاد اجتماعی بسنده شده است. نهاد اسم مصدر مرخم و حاصل مصدر و ریشه فعل نهادن لغت فارسی است که در متون نظم و نثر فارسی در معانی مختلف به کار رفته است. برخی از آن‌ها ممکن است معنا و مفهوم جامعه شناسی نداشته باشد مانند: آداء دین، پرداختن، وضع، حال، کیفیت، صورت، گذاشت و گذشتن قرار و مواضعه و کلماتی که دارای معنا و مفهوم جامعه شناسی هستند مانند: رسم، آیین، شعار، قاعده و قانون، روش، بنیاد و اساس، یکدلی و یکرنگی، سنت و غیره. نهاد ترجمه انستیتوسیون فرانسوی و انگلیسی است که در معنی تاسیس و موسسه تعبیر می‌شود، ولی از نظر این که کلمه تاسیس و موسسه وافی به مقصود نبوده و چون بعضی از امور را نهاد می‌دانیم که در لفظ تاسیس و موسسه درست معرفی نمی‌شوند. بنابراین، انستیتوسیون را به نهاد ترجمه می‌کنیم (طیبی، ۱۳۶۸: ۵۰). نهاد مجموعه انتزاعی از ارزش‌ها، هنجارها و

اعتقادهای سازمان یافته که در جامعه به تصویب و تثبیت رسیده و کنترل کننده رفتار افراد جامعه است. این نهاد از طبیعت خود جامعه برخاسته است (علی بابایی، ۱۳۷۸: ۱۲۳) نهادگرایی در حال حاضر یکی از مباحث مهم در علوم انسانی است و اندیشمندان گوناگونی در اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه شناسی به نظریه پردازی در این زمینه مشغول هستند (Carruthers, 2007) در تعریف نهادگرایی باید گفت، هر چند میان اندیشمندان توافقی حتی در مورد تعریف نهادها وجود ندارد و هر یک تعریفی خاص از نهاد ارائه می‌نمایند (Dequench, 2006) اما نقطه مشترک میان تمام نهادگرایان - به منزله تعریفی از نهادگرایی - تاکید بر اهمیت نهادها در تحلیل مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. نهادگرایی در سالیان اخیر، بیش از پیش مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفته است. یکی از دلایل این امر مطرح شدن بحث سرمایه اجتماعی است. در واقع او اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، شاهد مطرح شدن بحث سرمایه اجتماعی بودیم و بررسی‌های انجام شده، تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر رشد محلات را نمایان ساخت (Knak and Keefer, 1997). با توجه به این که نهادها از عوامل مهم ایجاد سرمایه اجتماعی هستند (Uphoff, 1999) بحث نهادها مورد توجه حکومتها قرار گرفت. میر یادآور می‌شود که بحث سرمایه اجتماعی همان بحث نهادها و فرهنگ است که اکنون مورد توجه حکومتها قرار گرفته است (Meier, 2000) البته نهادهایی مانند بانک جهانی نیز در سال‌های اخیر، توجه خاصی به این نظریه‌ها داشته اند (Jameson, 2006). نهادها انگاره‌هایی مستقر برای رفع نیازمندی‌های متعدد انسانی هستند که از شیوه‌های قومی وقتی که تداول و قبول عام پیدا می‌کنند بر می‌خیزند و رشد و نما می‌یابند (روسک و وارن، ۱۳۵۵: ۱۴۶). مالینفسکی نهاد اجتماعی را اجزای واقعی فرهنگ که دارای حد قابل ملاحظه ای از دوام، عمومیت و استقلال هستند، نظام‌های متشکل فعالیت‌های انسانی هستند و نهاد خوانده می‌شوند (صانعی، ۱۳۵۴: ۱۷۵). نهاد مجموعه ای از هنجارها و نقش‌هایی است که قانونیت یا عدم قانونیت هر چیزی را در یک سازمان اجتماعی تعیین می‌کند. این مفهوم گاه در معنای وسیع به خود سازمان اجتماعی اطلاق می‌شود (مندراس، ۱۳۵۴: ۳۳۵).

#### چار چوب نظری

نیم قرن پیش لوئیس مامفورد به دفاع از نظریه برنامه ریزی از طریق محله‌ها که در دو دهه پیش از آن مورد پذیرش قرار گرفته اما هنوز در عمل به طور گسترده مورد استفاده قرار نگرفته بود، پرداخت. استباط او این بود که محله‌ها به واقعیت اجتماعی هستند که هر کجا که انسان‌ها گرد یکدیگر جمع شوند ایجاد می‌شود. همین دلیل برای او کافی بود که نتیجه گیری کند که باید محله‌ها را از طریق برنامه ریزی و دوراندیشی آگاهانه رونق داد به طوری که عضوی از اندام‌های اصلی یک شهر یکپارچه شوند. به گفته او، این کار باید به واسطه واحد محله انجام گیرد که یکی از زیربخش‌های شهر بوده و تنها پاسخ عملی در برابر رشد ناهنجار متروپولیس‌ها و ناکارآمدی شهرهای بیش از حد متمرکز است (مدنی پور، ۱۳۹۱: ۱۶۷) همچنین نظام متمرکز در کشور (برنامه ریزی از بالا به پایین) سبب کمتر شدن مشارکت شهروندان در محله‌ها شده است. در برنامه ریزی متمرکز شناسایی امکانات و منابع در سطوح بالای برنامه ریزی بر اساس اطلاعات تهیه شده در سطوح پایین تر انجام می‌گیرد (معصومی اشکوری، ۱۳۸۷: ۱۹) و به همین دلیل توجه و تأکید برنامه ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگر، بر سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است و تقویت و اهمیت سطوح محلی و حضور انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی مدنی در عرصه تصمیم گیری با تکیه ی عمده بر نقش شهروندان، اعتماد و مشارکت واقعی آنها در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره مورد تأکید بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۹) امروزه موضوع اجتماعات محلی و نحوه ساماندهی آنها جایگاه مهمی در جامعه شناسی شهری و به تبع آن شهرسازی و مدیریت شهری پیدا کرده است. صاحب نظران بر این عقیده اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند (حسین آبادی، تقوایی، ۱۳۸۸: ۸۹) بنابراین در برنامه ریزی محله مینا که بر اساس اجتماعات محلی است، مشارکت مردمی در معنای واقعی آن هدف قرار گرفته و شعار برنامه ریزی بوسیله مردم نه برای مردم آرمان این نگرش در برنامه ریزی شهری است پس نقش دولت صرفا هدایت، حمایت و تشویق نهادهای اجتماعی محلی خواهد بود و هیچگونه تصمیمی را از بالا به پایین دیکته نمی‌کند و عدالت در محلات بهتر رعایت شده و همچنین کارایی این نهادها با مشارکت و اعتماد به شهروندان بالاتر خواهد بود. در نهایت با نگاه به

تعاریف مختلف از محله و اجتماع محلی می‌توان گفت که در بیشتر تعاریف، وجود روابط متقابل و شبکه‌های اجتماعی میان افراد، ارزش‌ها و منافع مشترک و واقع بودن در یک محله با مرزهای جغرافیایی مشخص به عنوان خصایص اصلی یک اجتماع محلی محسوب می‌شود (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۰۲ و ۱۰۱).

یکی از قدیمی‌ترین زمینه‌های مربوط به تحقیق نظریه‌ی افلاطون در کتاب جمهوری درباره شهر آرمانی افلاطونی است. او معتقد است: «با رشد و توسعه فیزیکی شهرها، مشکلاتی در بخش‌های مختلف شهر به وجود می‌آید، لذا با رشد و توسعه فیزیکی شهر باید شرایط مناسب زندگی و احتیاجات زندگی متناسب با هر زمان فراهم شود، به ویژه نیازهای روحی و روانی جمعیت در بخش‌های مختلف شهر، باید تأمین گردد. علی‌نژاد و طیبی در سال ۱۳۸۹ به بررسی روند توسعه‌ی کالبدی فیزیکی شهر فیروزآباد پرداختند و پژوهش خود را با این دو فرض شروع کرد: ۱- به نظر می‌رسد طرح جامع شهر در جهت دهی توسعه‌ی فیزیکی شهر، نقش عمده‌ای ایفا کند. ۲- به نظر می‌رسد توسعه‌ی فیزیکی شهر با گسترش تجهیزات شهری هماهنگ نبوده است و با بررسی‌هایی که انجام داد، مشخص شد که هر دو فرض درست بوده است و همچنین به این نتیجه رسیده است که روند توسعه‌ی فیزیکی شهر در گذشته معلول عوامل مختلفی از جمله اسکان عشایر و اتصال روستاهای اطراف به شهر، روند رشد طبیعی شهر و ... بوده است و بافت فعلی مثل فیروزآباد را از نظر گونه‌شناسی از نوع هسته‌ای و متمرکز می‌داند. وی در این میان به ارتباطات اجتماعی عشایر و گروه‌های همگن روستایی در شکل دهی به محلات اطراف شهر و توسعه فیزیکی ناشی از این ارتباطات تأکید می‌کند غلامرضا خوش‌فر و همکاران در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی و پایداری شهری در گرگان، ارتباط وثیق میان سرمایه اجتماعی و پایداری شهری را مورد تأکید قرار داده‌اند. به نظر آنان سرمایه اجتماعی پایین که در گروه دور نگه داشتن گروه‌های مردم نهاد از فرایند توسعه است، می‌تواند موجبات ناپایداری ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی را فراهم آورد (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۳). نفیسه مرصوصی و صائبی در تحلیل جغرافیایی تأثیر اکولوژی اجتماعی بر توسعه کالبدی شهر مشهد، بر نقش مهاجرت و چگونگی توزیع فضایی گروه‌های اجتماعی تأکید دارند. در این میان همبستگی گروه‌های اجتماعی در توسعه محل سکونت هم از منظر کالبدی و هم از نظر اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است و گروه‌های اجتماعی را بعنوان یک بازیگر فعال در توسعه شهر مشهد قلمداد نموده است (مرصوصی و صائبی، ۱۳۸۸). نوابخش و بذرافشان در بررسی میزان توسعه پایداری شهری شیراز، میزان حکمرانی خوب، میزان مشارکت اجتماعی و میزان اهمیت به حقوق شهروندی را از جمله ویژگی‌های اساسی در دستیابی به توسعه پایداری در شهر شیراز معرفی نموده‌اند که هم راستای هدف این تحقیق است (نوابخش و بذرافشان، ۱۳۸۳).

وندرسمن (۲۰۰۸) به بررسی کیفی ابعاد نظری طرح مشارکت اجتماعی، رابطه مشارکت شهروندی و مراکز اجتماعات محلی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که ویژگی مشارکت‌کنندگان در افراد مجرد بیشتر است که علت اصلی آن تعریف راهکارها و مکانیزم‌های متناسب با نیازهای جوانان است. خادم‌الحسینی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (منطقه ۵ اصفهان)» تهیه و به این نتیجه رسیدند که جامعه محوری و مشارکت به دلیل فقدان الگوی حکمرانی خوب شهری، به شکل واقعی اتفاق نیفتاده است. موسوی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «تحلیل فضایی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایداری شهری» اظهار داشتند که توسعه از طریق ابعاد متعدد خود، سرمایه اجتماعی را محقق می‌کند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی نیز همچون پدیده‌ای نیرومند از طریق سطوح ماهوی خود زمینه ایجاد توسعه پایداری را فراهم می‌آورد. مجیدی خامنه و کولیوند (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه‌ی پایداری اجتماع محور (مطالعه موردی محله دارآباد تهران)» نشان دادند که مشارکت مردم محله، مدیریت مردم محله، تکوین و تقویت سرمایه اجتماعی و ترغیب آن‌ها در جهت پایداری از اهداف اصلی آن است. بنابراین، یکی از ملزومات مهم آن پذیرش کلیه افراد و تنوع فرهنگی آن‌ها از سوی مدیران و مردم همان محله است. باوان پور (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایداری محله‌ای (نمونه کوی سجادیه مشهد)» نشان داد که با تقویت سرمایه اجتماعی به پایداری محله دست یافت. اما به سبب معناداری مولفه‌های سرمایه اجتماعی می‌توان بیان داشت توجه به مفهوم ذهنی سرمایه شرط انکاناپذیر تحقق مفهوم عینی پایداری است. یعنی دستیابی به توسعه محله‌ای بدون توجه به

پتانسیل‌های نهادی، انسانی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های فردی و گروهی امری غیر قابل اجراست. خنده رو (۱۳۸۷) در تحقیقی نشان داد که ابعاد پیوند همسایگی، اعتماد، مشارکت اجتماعی، کنترل غیر رسمی و احساس تعلق به محله مهم‌ترین ابعاد و یا شاخص‌های سرمایه در نظر گرفته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی افراد در سطح محله کمی از سطح متوسط پایین‌تر است. در نتیجه به منظور رسیدن به توسعه پایدار محله، توجه به کوچکترین واحد شهری (محله) ضروری است. خوشفر (۱۳۸۷) در رساله خود با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مطالعه موردی استان گلستان» به این نتیجه رسید که در سطوح خرد و کلان، سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی توسعه اجتماعی-اقتصادی رابطه معناداری دارد. به طوری که از یک طرف شهرستانهای توسعه یافته از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، از طرف دیگر، در سطح فردی سرمایه اجتماعی بالا موجب مشارکت بیشتر مردم در امور سیاسی و اجتماعی می‌شود.

در جمع بندی تحقیقات انجام شده در این حوزه می‌توان به طور خلاصه با تحقیق جعفری (۱۳۸۵) و سردارنیا (۱۳۸۸) در رابطه با سرمایه اجتماعی و حکمرانی، جعفری (۱۳۸۵)، پناهی و خوش فر (۱۳۹۰)، امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱) و ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۲) در مورد سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی اشاره نمود. در کل، بررسی صورت گرفته در مورد تحقیقات انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که به دلیل گستردگی مفهوم سرمایه اجتماعی و همچنین، ابعاد متعدد مفهوم توسعه اجتماعی - سیاسی، تحقیقات قبلی نتوانسته‌اند این دامنه را بطور کامل پوشش بدهند. همچنین، اکثریت تحقیقات انجام شده در این حوزه در قالب تحقیق کیفی انجام شده و از لحاظ زمانی محدود می‌باشند. لذا، در این تحقیق به منظور پر کردن خلأهای پژوهشی ذکر شده، به بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی در ابعاد سه گانه ی ارتباطی، شناختی و ساختاری بر توسعه سیاسی به روش آمیخته در سه دهه‌ی پس از وقوع انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر از این جهت جنبه نوآوری و جدید بودن دارد که تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی اجتماعی را در یک تحقیق مورد سنجش قرار می‌دهد و به پرسش‌های مبهم پاسخ می‌گوید. این در حالی است که پژوهش‌های قبلی فاقد این مولفه می‌باشند. لذا، می‌توان گفت که در این تحقیق پایه سرمایه اجتماعی در هر دو حوزه اجتماعی و سیاسی پس از انقلاب اسلامی در میان دانشگاهیان شهر تهران طی سه دهه مورد بررسی محقق است.

#### مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد نهادهای اجتماعی در مدیریت محلات

از مهمترین مولفه‌ها در تحقق نهادهای اجتماعی محله محور مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های لحاظ شده در محلات است. واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). مشارکت کلمه‌ای عربی بر وزن مفاعله است که در ادبیات عرب به معنای معاشرت و همراهی در کار به کار رفته و در زبان فارسی در معانی شرکت دادن، انبازی کردن و تعیین سود یا زیان دو یا چند تن که با سرمایه‌های معین در زمان‌های مشخص به بازرگانی پرداخته‌اند، استعمال شده است. معادل مشارکت در زبان انگلیسی نیز در مفهوم با یکدیگر عمل کردن، سهمی از چیزی بردن و عمل متقابل اجتماعی در یک گروه به کار رفته است (اصلائی و فتاحی، ۱۳۹۳: ۶۵) در دایره المعارف برنامه ریزی شهری مشارکت عمومی اینگونه تعریف شده است مشارکت عمومی در شهر سازی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر می‌شوند تا در تدوین سیاستها و طرح‌های شرکت که بر روی محیط زندگی آنها مؤثر هستند (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۵). مؤلفه دیگری که در تحقق ایجاد نهادهای اجتماعی محله محور نقش دارد وجود اعتماد شهروندان به این نهادها است. در فرهنگ معین واژه اعتماد به معنای تکیه کردن بر و واگذاشتن کار به کسی (معین، ۱۳۷۱: ۳۰۲) و در لغتنامه دهخدا به معنای تکیه کردن بر کسی و اتکا آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۴۹۶) و فرهنگ آکسفورد در تعریف اعتماد آورده است که اعتقاد یا میل به اینکه می‌توان به خوبی، قدرت، توانایی چیزی یا کسی تکیه کرد (قره خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴۱). در نوشته‌های جامعه شناختی مفهوم اعتماد اجتماعی هم به عنوان ویژگی افراد، ویژگی ارتباطات اجتماعی و هم ویژگی نظام اجتماعی با تأکید بر رفتار مبتنی بر تعاملات و سوگیری‌ها در سطح فردی مفهوم سازی شده است (ظهیری نیا و نیکخواه، ۱۳۹۴: ۱۲۶). به بیانی دیگر از عوامل مهم و مؤثر در انسجام و یکپارچگی جامعه وجود اعتماد در بین افراد و گروههای مختلف اجتماعی است. زمانی

که اعتماد اجتماعی تحت تاثیر عوامل مختلف دچار فرسایش شود نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالشهایی مواجه می گردد (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸:۱۹۰). مولفه دیگر در تحقق ایجاد نهادهای محله محور عدالت است که در تصمیم گیری در سطح محلات بوجود خواهد آمد. عدالت در اصطلاح از دو کلمه موزون بودن و برابری که در مفهوم رعایت تناسب میان اجزاء یک مجموعه هدف دار به گونه ای که آن مجموعه بتواند متعادل و پایدار بماند تشکیل شده است (پيله ور، ۱۳۸۰:۴۷). بنابراین عدالت فضایی در شهرها بدان معناست که مکان زندگی هر فرد حاصل از تقسیم کار اجتماعی وی را از استحقاق اجتماعی محروم نکند. نابرابری های فضایی، تنها هنگامی موجه است که بهبود حیات همگانی را در پی داشته باشد (اطهاری، ۱۳۸۱:۲۸). دیویدهاروی عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانه ی منابع و امکانات شهری می داند که بتواند به گونه ای هدایت شود که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آن در ابعاد مختلف برآورده گردد (هاروی، ۱۳۷۹:۹۷) در نتیجه، بین کیفیت زندگی افراد و دسترسی به خدمات رابطه ی معناداری وجود دارد. در کل نابرابری اجتماعی، بازتاب دستیابی متفاوت طبقات و قشرهای مختلف به انواع این کالاها در هر جامعه است. به این اعتبار، نابرابری در فرصت های زندگی یعنی بهداشت و مانند این ها مهم ترین، توزیع تفاوتی و تفاضلی امکانات و فرصت هایی از قبیل تحصیلات، اشتغال، درآمد شاخص برای درک موقعیت های نابرابر در پایگاه های اجتماعی و اقتصادی افراد و گروه ها در هر جامعه است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۱:۴۲). مولفه دیگر در تحقق ایجاد نهادهای اجتماعی محله محور کارایی این نهادها در تحقق هر چه بهتر نظرات شهروندان است. کارایی نشانگر درجه موفقیت یک نهاد در اجرای برنامه ها برای به حداقل رساندن تاثیر منفی فرآیند است. نوآوری نقشی محوری و تاثیرگذار در فرآیند کارایی بازی می کند. از این رو کارایی نوآوری به عنوان یکی از مولفه های اصلی در کنار شیوه های مستقر در نهادها است (ملکی پور، ۱۳۹۲:۱۹) همچنین نوآوری به عنوان یک شایستگی است که منجر به مزیت رقابت و کارایی سازمانی می شود (Gaynor، ۲۰۰۲). نتایج به دست آمده از تحقیقات پژوهشگران حاکی از این است که رابطه بین نوآوری و کارایی مبهم است (Yun Lin، ۲۰۰۷). از این رو بعضی از مطالعات ارتباط مثبت، بعضی ارتباط منفی و یک سری دیگر هیچ ارتباطی را گزارش نکرده اند (Capon، ۱۹۹۰). این نتایج متناقض می تواند به دلیل عملکرد متفاوت نوآوری در کارایی سازمان ها باشد (Damanpour، ۲۰۰۲). اعتماد به نهادهای محله محور کارایی آن ها را نیز بالاتر خواهد بود و همانطور که در بخش پیشینه پژوهش نیز گفته خواهد شد هر ۵ عامل شناسایی شده ی مؤثر در ایجاد نهادهای محله محور به مثابه زنجیری به یکدیگر وابسته اند. مهم ترین و منحصر به فردترین نوع مشارکت در قرن بیستم افزایش میزان ۵۰ برابری کارایی بوده است و به نظر می رسد مهم ترین نتیجه مشارکت مدیریت که در قرن بیست و یکم مورد نیاز است افزایش کارایی "کار فکری" و "کارکنان فکری" باشد (دراکر، ۱۳۸۰:۲۵) همچنین مولفه آخری که در تحقق ایجاد نهادهای اجتماعی محله محور مفید خواهد بود نظرات شهروندان شهر فردوسی در مورد این است که آیا با ایجاد نهادهای محله محور کیفیت کارهای انجام شده در سطح محلات نیز بالاتر خواهد رفت و به عبارتی دیگر کیفیت زندگی شهروندان بالاتر رفته است. بنابراین مولفه دیگری که در این پژوهش سنجیده می شود مولفه کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی یکی از مه ترین مسائل پیش روی جهان امروز می باشد همچنین، ارتقاء کیفیت زندگی از مهم ترین اهداف حکومت ها و دولت های مختلف در سطح دنیا محسوب میشود (حسین زاده و میرزایی، ۱۳۸۶:۱۷). واژه کیفیت در لاتین به معنی چیزی، خصوصیت، طبیعت، نوع، ظرفیت، تعریف، صفت، نهاد و چگونگی است. Qol از نظر واژه به معنی چگونگی زندگی است و دربرگیرنده تفاوت های آن است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و با دیگران متفاوت است (فتاحی، ۱۳۸۹:۲۷). به عبارت دیگر منظور از کیفیت زندگی شهر در محلات توجه به کیفیت شاخص های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و روانی و غیره در دو وجه کمی و کیفی (مثل شرایط کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای اوقات فراغت، فرصت های اجتماعی، اشتغال، مشارکت اجتماعی و غیره) در روند برنامه ریزی شهری است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۲:۱۷۵). کیفیت زندگی شهری دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص هایی چون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می گیرد و در برخی از موارد رضایت اجتماعی نیز نامیده می شود. کیفیت زندگی شهری ابعاد محیطی را نیز که سنجه هایی چون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی را با خود دارند، در بر می گیرد (غیاثوند، ۱۳۸۵:۸۵).



### نقش گروه‌های تسهیل‌گر اجتماعی در توسعه شهر

تسهیل‌گری در حقیقت آسان ساختن و سرعت بخشیدن به فرایند یا اتفاقی است که عموماً از راه فعالیت‌ها و یا ساز و کارهای اجتماعی انجام می‌شود. فرآیند و ابعاد مختلف تسهیل‌گری محدود به یک مسئله خاص و یا یک دستگاه یا سازمان مشخص نیست و کلیه دستگاه‌های اجرایی متناسب با اهداف و مأموریت‌هایی که دارند می‌توانند برای حل مسائل و مشکلات، از این رویکرد بهره‌گیرند. آنچه مفهوم آموزش را در حوزه تسهیل‌گری می‌سازد، ارتباط متقابل، گفتگو و انتقال دانش و تجربیاتی است که از هر دو طرف شکل می‌گیرد.

رشد تسهیل‌گری بیشتر مدیون این نگاه است که می‌توان از طریق به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌ها و هارت‌های گروهی به انسان‌ها کمک کرد که بهتر با هم ارتباط بگیرند و درک بهتری از جهان داشته باشند. تسهیل‌گری یعنی تشویق گفت‌ووشنود آزاد و باز در میان افرادی که دیدگاه‌های متفاوت دارند تا به این طریق فرضیه‌های متفاوت و گزینه‌های مختلف مرور شوند. این شیوه بحث و گفت‌و شنود با روش‌های رقابت‌جویانه‌ای که در آن یک طرف برنده می‌شود و دیگری بازنده تفاوت دارد. تسهیل‌گر آسان‌تر کردن کارها و کمک به موفقیت گروه از طریق افزایش تعامل گروهی، مشارکت بیشتر و طراحی یک مسیر مؤثر را بر عهده دارد. وقتی از بیرون به تسهیل‌گر و گروهش نگاه می‌شود، در پایان جلسه می‌توان گفت که جلسه موفقیت‌آمیزی برگزار شده است و تسهیل‌گر فعالیت مؤثری انجام داده و خود در تمام طول مسیر، بی‌نظر باقی مانده است. در طی این جلسه ممکن است گروه مشغول تبادل تجربه باشد یا در مورد موضوعی خاص به بارش افکار مشغول بوده یا به حل مسئله پرداخته است. تسهیل‌گر طی این جلسه گروه را رهبری نمی‌کند و به دنبال سرگرم کردن آنها نیست یا تلاش نمی‌کند که گروه به سمت خاصی هدایت شود. اما به گروه کمک می‌کند که با انتخاب بهترین راه در کمترین زمان، بیشترین مشارکت ممکن را به وجود آورد. با این نگاه تسهیل‌گری یک خدمت است و مهم‌ترین وظیفه یک تسهیل‌گر اینست که مراقب فرآیند باشد تا گروه، کار خود را به پایان برساند. در واقع موضوع یا مسئله، بخشی از محتوا است که اعضای گروه روی آن کار می‌کنند. تسهیل‌گری مفهومی است که در حوزه توسعه در نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است. تسهیل‌گری در راستای بهتر ارتباط برقرار کردن است تا اینکه مفهوم بهتری از زندگی را به عنوان یک انسان، درک کنیم. می‌توان به جرأت ادعا کرد که اگر همه می‌توانستند مهارت‌های تسهیل‌گری را خصوصاً در مراحل اولیه زندگی بیاموزند، جهان مکان صلح‌آمیزتری برای کل بشریت می‌شد. هوگان معتقد است که تسهیل‌گری می‌تواند زندگی بهتری را برای انسان نوید دهد و زمینه‌های مناسبی را برای درک پیچیدگی‌های روزافزون و همیشه در حال تغییر دهکده جهانی فراهم آورد. البته مفهوم تسهیل‌گری مانند بقیه مفاهیم توسعه مانند مشارکت، توانمند شدن، خوداتکائی و ارتباط فی‌نفسه مثبت نیست بلکه بستگی به کاربرد صحیح آن دارد. به سخن دیگر، با تسهیل‌گری می‌توان فرآیند توانمند شدن را سهولت بخشید و یا آنکه وابستگی بیشتر را ایجاد نمود. تسهیل‌گری بیشتر از آنکه یک وظیفه باشد، یک خدمت است. اما تسهیل‌گر دارای ویژگی‌ها و اصول خاصی است که آنها را باید در جریان کار با مردم رعایت کند. این ویژگی‌ها به تسهیل‌گر کمک می‌کند که بتواند در سطح محله به بهترین وجه ممکن با مردم ارتباط بگیرد و فضای شادابی از فعالیت توانمندسازی را به وجود آورد. برخی از این ویژگی‌ها به نگاه یک تسهیل‌گر باز می‌گردد که چگونه به انسان‌ها و افراد کم‌توان می‌نگرد، و با مثبت‌اندیشی به منابع و فرصت‌های موجود در محله می‌نگرد. وجود این نگاه باعث می‌شود که تسهیل‌گر بهتر بتواند اعتماد افراد را به خود جلب کند. تسهیل‌گر همچنین لازم است که مطالعه داشته و اطلاعات مناسبی را در خصوص برخی از موضوعات نظیر پویایی گروه داشته باشد. علاوه بر این تسهیل‌گر باید مهارت‌هایی نظیر مهارت برقراری ارتباط مؤثر یا اجرای کارگاه‌های متفاوت نظیر برنامه‌ریزی و ارزشیابی را داشته باشد. از جمله ویژگی‌های اخلاقی تسهیل‌گر می‌توان به با نشاط بودن او اشاره کرد. تسهیل‌گر باید پرتحرک و فعال باشد و بتواند با خود انرژی را به جمع اهالی محله ببرد. او باید شنونده فعالی باشد و به خوبی و با دقت به درد و دل‌ها و صحبت‌های مردم گوش فرا دهد. نکات مهم را همواره یادداشت کند. تسهیل‌گر باید فردی منعطف و انتقادپذیر باشد و بتواند با بازخوردهایی که در جریان فعالیت‌های خود از مردم می‌گیرد، رفتارهای خود را اصلاح کند. همچنین تسهیل‌گر باید خوش‌اخلاق و صبور باشد. این خوش‌اخلاقی و صبر

باعث می شود که مردم بیشتر جذب او شوند. در کنار تمام این ویژگی های اخلاقی، فراموش نکنیم که مثبت اندیشی یک خصلت مهم برای هر تسهیلگر زبده است.

ویژگی ها و مهارت های مهم تسهیلگر عبارت اند از:

- آگاهی به روابط اجتماعی
- مهارت های ارتباطی (خصوصاً خوب گوش دادن)
- همنوائی، احترام، تحمل و صبر
- توانایی برنامه ریزی و ارزشیابی
- جسارت در بیان (صریح، شفاف و صادقانه)
- خودآگاهی (باید از احساس و فکر خود و علت آن آگاه باشد)
- انعطاف پذیری
- عادل، منطقی و آرام بودن
- داشتن تفکر انتقادی (قدرت تحلیل و عمق نگری)

#### مراحل و اقدامات اساسی در دفتر محلی تسهیل گری:

**استقرار در دفتر محلی:** استقرار تسهیل گر در محله و برقراری ارتباط تنگاتنگ لازمه شروع فرایند تسهیلگری است. لذا موقعیت و ویژگی های محل فعالیت تسهیلگر باید به گونه ای باشد که:

- دسترسی تمامی اقشار ساکن به آن به راحتی امکان پذیر باشد. (سالمدان، زنان، کودکان و جوانان)

- قرارگیری در مرکز محله و محل اجتماع ساکنین و فضای مناسب و کافی برای برگزاری جلسات داشته باشد.

**تشکیل کمیته راهبری نوسازی:** اقدام جهت تشکیل کمیته راهبری محلی پس از تأسیس دفتر باید صورت بگیرد. چنانچه توضیح داده شد اعضا ثابت این تیم نماینده کارفرما، تسهیل گر، مدیر عامل شرکت نوسازان و نمایندگان مردم هستند. به تدریج کمیته راهبری نوسازی به نهادنوسازی محلی تبدیل شده و مدیریت نوسازی محله را به عهده خواهد گرفت. اعضا غیر ثابت این کمیته به تناسب مباحث و موضوعات روز دفتر تعیین خواهند شد و در جلسات کمیته راهبری که بصورت هفتگی در مکان دفتر محلی برگزار می گردد حضور خواهند یافت.

توسعه شتابان شهری در چند دهه اخیر زندگی بشر را از ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار داده است و تسهیل گرهای اجتماعی می توانند نقش بسزایی را در این مهم بازی کنند. در حال حاضر دفاتر تسهیلگری و توسعه اجتماعی در شهرها با هدف شناسایی ظرفیت های محلات و در راستای پیشبرد اهداف توسعه شهری، کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است. گروه های اجتماعی از انسانهایی که با یکدیگر روابط متقابل داشته و میان آنها کنش متقابل اجتماعی برقرار است و این ارتباط به انتقال گوناگون مانند گروههایی تسهیل گر اجتماعی و گروههای مردم نهاد، بخش عمومی، بخش خصوصی و تشکیلات متعدد متجلی می شود، تشکیل شده است. حق شهروندی، یک حق بشری است که شامل دلبستگی شهروندان به شهر و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی نادیده گرفتن از جنس، سن، نژاد و ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و فقط به دلیل انسان بودن، شایسته بهره مندی از این حق را داراست. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می شود، در حالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاستگزاری های شهری، تصمیم گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصاد شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می شود. پژوهشهای زیادی در زمینه ارتباط شهرنشینی با همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انواع آسیب های اجتماعی انجام شده است. بالا رفتن سطح زندگی عمومی افراد هر جامعه متأثر از توسعه شهری در آن منطقه است. بنابراین برای تحقق اهداف طرح های توسعه شهری که به دنبال بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه می باشد، لازم و ضروری است که میزان

سرمایه های آن جامعه بررسی و تجزیه شود. در این راستا باید به این میحث اهمیت بسیار داد که انسانها گروهی زندگی می کنند، گروهی تصمیم می گیرند و گروهی اقدام می کنند. تسهیل گر کسی است که با اطلاع از جریان ها و واکنش های گروه، دانش خود را به کار می بندد تا ساختار لازم را برای یک یا چند گروه فراهم آورده تا به صورت مشارکتی در بهترین زمان ممکن بهترین نتیجه عاید گردد. تسهیل گر از اصول پویایی گروه استفاده می برد تا بتواند با تکیه بر مشارکت شرکت کنندگان و با تمرکز به محتوای لازم، فرآیندی را به وجود آورد تا نتیجه مناسب در توسعه به معنای عام و توسعه شهری به معنای خاص این تحقیق حاصل شود، از نقش تسهیل گرها در توسعه شهر می توان به ارتباط میان تشکل های مردم نهاد، نهادهای غیر دولتی، گروههای میانجی از جمله NGO ها و CBO ها در ارتباط با دولت و نهادهای دولتی و توسعه شهری نام برد. از آنجا که توسعه شهر مستلزم همکاری بین نهادهای مردمی و دولت میباشد این سوال پیش می آید که چه نهادهایی و با چه کیفیتی خارج از وظایف دولت، تأثیر بیشتری در پیشرفت جریان توسعه شهر ایفا می کنند؟ لذا این تحقیق در جستجو یافتن پاسخ به سوال فوق است. به عبارتی این تحقیق تلاش دارد تا نقش گروه های میانجی یا تسهیل گر را در توسعه شهر و ارتباط آن را با فرایندهای رسمی توسعه شهری مورد بررسی قرار دهد. چرا که به نظر می رسد در دنیای کنونی با پیچیدگی های فعلی، دولت به تنهایی قادر به پیشبری امور در حوزه توسعه شهری نیست و نهادهای عمومی و تشکلهای مردمی و یا گروه های اجتماعی میتوانند سهم بسزایی را در این حوزه ایفا کنند.

در بخش چارچوب نظری به منظور تبیین موضوع از تئوری های پاتنام و جیمز کلن استفاده شد. رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را در قالب اعتماد و شبکه ها و هنجارها مورد بررسی قرار داده و بر این اعتقاد است که سرمایه اجتماعی با ابعاد مذکور می تواند در کارآیی جامعه نقش بسزایی داشته باشد. از طرف دیگر، جیمز کلن بر سودمندی سرمایه اجتماعی تاکید دارد و معتقد است که سرمایه اجتماعی را می توان در همه لایه ها و اقشار اجتماعی مشاهده نمود. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی می تواند کنش های افراد را در درون ساخت جامعه تسهیل بکند. در همین راستا و به منظور تبیین متغیر وابسته در این تحقیق نخست مروری کلی بر تاریخچه تحولات رخ داده در زمینه توسعه شد و در ادامه ارتباط توسعه سیاسی با مشارکت سیاسی، همه زمانی و همه مکانی بودن مفهوم توسعه سیاسی، و در عین حال محدود نبودن توسعه سیاسی به توسعه اقتصادی و اجتماعی پرداخته شد. نظریه هارماس یکی دیگر از تئوریهای مطرح شده در این بخش برای تبیین ارتباط بین توسعه سیاسی و حوزه عمومی می باشد. هارماس معتقد است که حوزه عمومی به عنوان فضایی می تواند بر سیاست تاثیرگذار باشد. همچنین، در ادامه به ارتباط بین توسعه سیاسی و جامعه مدنی پرداخته شد. با این توضیح که جامعه مدنی به عنوان بستری از کردارهای مشترک غیر تحمیلی، حول منافع و اهداف و ارزشهای مشترک بوده و می تواند مسیر توسعه سیاسی را هموارتر سازد. با تفاسیر ذکر شده، در ادامه به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در ابعاد ارتباطی، شناختی و ساختاری در توسعه سیاسی اجتماعی پرداخته می شود.

سرمایه اجتماعی دارای سه بعد و شاخص اساسی است:

- (۱) بعد ساختاری: شامل الگوی پیوندهای میان اعضاء گروه و ترکیب سازماندهی این اعضاء است. سلسله مراتب شبکه، تراکم و میزان همگنی گروه یا اعضای گروه از جمله شاخص های عمده بعد ساختاری هستند.
- (۲) بعد هنجاری: به کیفیت تعاملات و ارتباط اعضاء در درون یک گروه اشاره دارد. در این بعد شاخص هایی نظیر اعتماد و ارتباط متقابل مطرح است.
- (۳) بعد شناختی: کمتر قابل اندازه گیری بوده و می توان آن را ارزش های مشترک در میان اعضای یک گروه دانست. هنجارها، ارزش ها، نگرش، باورها، فرهنگ شهری و سایر در این بعد

جدول ۱: شاخص های سرمایه اجتماعی به تفکیک ابعاد ساختاری، شناختی و هنجاری

بعد ساختاری	بعد شناختی	بعد هنجاری
نقش ها و قواعد	هنجارها	کیفیت روابط و تعامل اعضا
شبکه ها و روابط بین فردی	ارزش ها	ارتباط متقابل بین اعضا
رویه ها	نگرش ها	اعتماد اجتماعی
روابط افقی	باور ها	پیوند اجتماعی
روابط عمودی	فرهنگ شهری	-
ایجاد منافع مشترک	همبستگی و انسجام	-
-	همکاری	-

سطوح (طبقه بندی) و شاخص های سرمایه های اجتماعی: سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان طبقه بندی می کنیم. در سطح خرد سرمایه اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزش های حاکم بر آنها مورد بررسی قرار می گیرد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی موضوعاتی چون شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه ها، احساس تعهد و اعتماد دو جانبه به هنجارها و ارزش های مشترک را شامل شده و به عنوان یک حس تعلق و پیوستگی اجتماعی است. در سطح میانی سرمایه اجتماعی هم جنبه هایی از ساخت اجتماعی را داراست و هم کش های خاص کنشگران را درون سیستم یا ساختار اجتماعی تسهیل می کند. این مفهوم ارتباطات افقی و عمودی را شامل می شود و سازمان ها و روابط بینابینی آنها اعم از باشگاه ها، انجمن ها، شرکت ها، احزاب و NGOها در زمره آن قرار می گیرد. در واقع، سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی بین گروه هایی که کار مشارکتی می کنند، وجود دارد. در سطح کلان سرمایه اجتماعی شامل روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان مانند دولت، حکومت سیاسی و نظام های حقوقی و قضایی می شود. در این سطح روابط و ساختارهای رسمی مانند قوانین و مقررات حاکمیت سیاسی، میزان مشارکت سیاسی، شکل گیری نهادهای سیاسی و اجزای سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، در سطح کلان با سرمایه اجتماعی ساختاری سر و کار داشته که اعتماد نهادی و اعتماد به حکومت و نیز اعتماد به نظام های تخصصی مؤلفه های اصلی آن را تشکیل می دهند. حال با توجه به این سه سطح، شاخص های سرمایه اجتماعی را در هر کدام آن بیان می کنیم:

جدول ۲: شاخص های سرمایه اجتماعی به تفکیک سطوح خرد، میانه و کلان

سطح خرد	سطح میانی	سطح کلان
بیگانگی اجتماعی	تعاملات اظهاری	مشارکت اجتماعی
روابط همسایگی	رضایت اجتماعی	انسجام و همبستگی اجتماعی
روابط محلی	تعهد اجتماعی	وفاق اجتماعی
مشورت و کمک گرفتن از دیگران	هویت جمعی	اعتماد اجتماعی
علاقه به جامعه	احساسات و عواطف مشترک	عدالت اجتماعی
خودباری	آرامش اجتماعی	برخورد با مخالفان
کمک کردن به دیگران	استبداد گری	پنداشت از دولت

حضور در فعالیتهای اجتماعی مانند فعالیت در مدرسه، مسجد	دسترسی به اطلاعات	دین و ایمان
فداکاری برای دیگران	عضویت در NGO ها و نهاد های مدنی	آگاهی اجتماعی
تعداد دوستان	عضویت در گروه های محلی	روابط بین نهادی
میزان صداقت فرد	عضویت در نهاد های اجتماعی	نظم اجتماعی
ایمان و تعلقات مذهبی	احساس تعلق	پیشرفت و توسعه اجتماعی
آرامش روحی، روانی و جسمی	اتحاد گروهی و محلی	هویت اجتماعی
احساس مسئولیت	تعاون و همیاری اجتماعی	باورهای اجتماعی
احساس همدردی	مشغولیت اجتماعی	هنجارهای اجتماعی
	انتظارات متقابل	ارزشهای اجتماعی
		آداب و رسوم اجتماعی
		نهاد های مدنی یا NGO ها

البته، لازم به ذکر است که سرمایه اجتماعی هنوز هم شاخص های فراوانی غیر از این شاخصها دارد که بیان آن در یک پروپوزال امکان پذیر نیست. بنابراین، از منظر توسعه پایدار، سرمایه اجتماعی در کنار سایر سرمایه ها، جزئی تفکیک ناپذیر از مجموعه ثروت هر ملتی است و یکی از عوامل توسعه جوامع به شمار می رود. وجود سرمایه اجتماعی به عنوان ساز و کاری برای ارتقای توسعه بوده و فقدان و فرسایش آن مانعی برای توسعه سیاسی - اجتماعی است.

### نتیجه گیری

توسعه پایدار، مشتمل بر رشد و توسعه موزون اقتصاد، محیط زیست و جامعه انسانی و فرهنگ، وظیفه پیچیده ای است و حصول به آن اهمیت نهادهای دولتی را به واسطه در اختیار داشتن قدرت های قانونی و وظیفه صیانت از آن چه متعلق به عموم، مورد تاکید قرار می دهد. توسعه سریع شهری در چند دهه اخیر زندگی بشر را از ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار داده است و تسهیل گرهای اجتماعی می توانند نقش بسزایی را در این مهم بازی کنند. در حال حاضر دفاتر تسهیلگری و توسعه اجتماعی در شهرها با هدف شناسایی ظرفیت های محلات و در راستای پیشبرد اهداف توسعه شهری، کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است. گروه های اجتماعی از انسانهایی که با یکدیگر روابط متقابل داشته و میان آنها کنش متقابل اجتماعی برقرار است و این ارتباط به انتقال گوناگون مانند گروه های تسهیلگر اجتماعی و گروه های مردم نهاد، بخش عمومی، بخش خصوصی و تشکیلات متعدد متجلی می شود، تشکیل شده است. حق شهروندی، یک حق بشری است که شامل دلبستگی شهروندان به شهر و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی نادیده گرفتن از جنس، سن، نژاد و ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و فقط به دلیل انسان بودن، شایسته بهره مندی از این حق را داراست. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می شود، در حالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاست گذاری های شهری، تصمیم گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصاد شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می شود. پژوهش های زیادی در زمینه ارتباط شهر نشینی با همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انواع آسیب های اجتماعی انجام شده است. بالا رفتن سطح زندگی عمومی افراد هر جامعه متأثر از توسعه شهری در آن منطقه است. بنابراین برای تحقق اهداف طرح های توسعه شهری که به دنبال بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه می باشد، لازم و ضروری

است که میزان سرمایه های آن جامعه بررسی و تجزیه شود. در این راستا باید به این مبحث اهمیت بسیار داد که انسانها گروهی زندگی می کنند، گروهی تصمیم می گیرند و گروهی اقدام می کنند. تسهیل گر کسی است که با اطلاع از جریان ها و واکنش های گروه، دانش خود را به کار می بندد تا ساختار لازم را برای یک یا چند گروه فراهم آورده تا به صورت مشارکتی در بهترین زمان ممکن بهترین نتیجه عاید گردد.

#### منابع:

۱. اطهاری، کمال (۱۳۸۱)، عدالت در فضا، مجله هفت شهر، شماره ۱۰ و ۹.
۲. اصلانی، فیروز، فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۳)، مشارکت عمومی در اداره حکومت اسلامی حق یا تکلیف؟، شماره ۸، صص ۶۵-۸۸.
۳. باوان پور، ع. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله ای (نمونه کوی سجادیه مشهد). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۶۹)، واحد همسایگی، مجله صفا، شماره ۱.
۵. پیله ور، علی اصغر (۱۳۸۰)، تعاون و عدالت گستری در فضای شهری، مجله تعاون، شماره ۱۱۶.
۶. چپ من (۱۳۸۴)، آفرینش محلات و مکان ها در محیط انسان ساخت، ترجمه: شیرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۷. حاتمی نژاد، حسین، منوچهری میاندوآب، ایوب، بهارلو، ایمان، ابراهیم پور، احمد، حاتمی نژاد، حجت (۱۳۹۱)، شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری های محله ای (مطالعه موردی: محله های قدیمی شهر میاندوآب، شماره ۸۰، صص ۶۴-۴۱). حقیقیان، منصور، اسماعیلی، رضا، کریمی زاده اردکانی، سمیه (۱۳۹۴)، تبیین جامعه شناختی تأثیر توسعه محله محوری در اداره کلان شهر تهران (مورد مطالعه محله های ازگل، جنت آباد، حکیمیه، خانی آباد نو)، شماره ۲۰.
۸. حسین زاده، داوود، میرزایی، سابینا (۱۳۸۶)، کیفیت زندگی کاری و تأثیر آن بر بهره وری، فصلنامه مدیریت، شماره ۱۲۳.
۹. حسینی، علی (۱۳۸۰)، روش های مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری (شهر رشت)، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۰. حسین آبادی، مصطفی، تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۸)، آموزش شهروندی و رویکرد محله محوری: نقش نهادها و ارکان محله ای در آموزش شهروندی، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۵.
۱۱. خوش فر، غ. بارگاهی، ر. و کرمی، ش. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و پایداری شهری. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری. شماره هشتم.
۱۲. خنده رو، م. (۱۳۸۷). سنجش میزان سرمایه اجتماعی در سطح محله، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه اصفهان.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۱۴. دراکر، پیتر (۱۳۸۰)، کارایی کارکنان متفکر بزرگترین چالش مدیریت در قرن ۲۱، ترجمه: آزاد مجیدی سرسری، فصلنامه توسعه مدیریت، شماره ۲۵ و ۲۴.
۱۵. دیوشلی، عباس (۱۳۸۸)، لغت نامه فارسی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. روسک، جوزف، رولند، وارن (۱۳۵۵)، مقدمه ای بر جامعه شناسی، ترجمه: بهرور بنوی و احمد کریمی، انتشارات کتابخانه فروردین، تهران.
۱۷. صارمی، فرید، (۱۳۸۶)، توسعه محله ای در کلانشهر تهران مطالعه موردی محله بهار منطقه هفت تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. صانعی، پرویز (۱۳۵۴)، جامعه شناسی ارزش ها، نشر و پخش کتاب جار، تهران.
۱۹. صادقی، علیرضا (۱۳۸۸)، پرونده: همشهری محله ما، مجله خردنامه همشهری، شماره ۳۵.

۲۰. طبیبی، حشمت الله (۱۳۶۸)، نهادهای اجتماعی، مجله مطالعات جامعه شناختی، شماره ۲.
۲۱. ظهیری نیا، مصطفی، نیکخواه، هدایت الله (۱۳۹۴)، سنجش میزان اعتماد اجتماعی در بین ساکنان شهر بندرعباس و عوامل مؤثر بر آن، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۱.
۲۲. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد سوم، سازمان شهرداری‌های کل کشور، تهران.
۲۳. علی بابایی، یحیی (۱۳۷۸)، آیا دین یک نهاد اجتماعی است، مجله مطالعات جامعه شناختی، شماره ۱۳.
۲۴. غیاثوند، الهام (۱۳۸۵)، تأثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندسی مشاور، شماره ۲۵.
۲۵. قره خانی، بهزاد، طاهرپور، حبیب الله، رهنورد، فرج الله، مصطفوی، فرخ (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر اعتماد به سازمان‌های دولتی شهر تهران، مجله مدیریت دولتی، شماره ۴.
۲۶. مدنی پور، علی (۱۳۹۱)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه: فرهاد نوریان، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، تهران.
۲۷. معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۷) «راهنمای عملی برنامه ریزی و آینده پژوهی»، انتشارات پیام.
۲۸. ملکی پور، موسی، ملکی پور، احمد (۱۳۹۲)، مدیریت منابع انسانی: کارایی نوآوری، کارایی زیست محیطی، کارایی سازمانی، مجله کار و جامعه، شماره ۱۶.
۲۹. مجیدی خامنه، بتول، کولیوند، حجت الله (۱۳۹۱)، تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع محور (مطالعه موردی محله دارآباد تهران)، شماره ۱۹.
۳۰. مدنی پور، علی (۱۳۸۳)، آیا می‌توان مدیریت و توسعه شهری را بر پایه محله‌ها بنا نهاد، چکیده مقالات همایش توسعه محله تهران، شهرداری تهران.
۳۱. مندراس، هانری (۱۳۴۹)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۲. موسوی، احمد. (۱۳۸۵). برنامه ریزی توسعه محله ای با تاکید بر سرمایه اجتماعی در مورد کوی طلاب شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد شهر سازی، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس.
۳۳. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. مجموعه ی آثار، مجلات گوناگون. تهران: نشر صدا.
۳۴. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۵. معیدفر، سعید، مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹)، نقش هویت محله ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نا به هنجار اجتماعی در شهر، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲.
۳۶. هاروی، دیوید (۱۳۷۹)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و منادی زاده، جلد دوم، انتشارات فرآیند برنامه ریزی شهری تهران، تهران.
37. Bullen, p. & Qnyx,j. 2000. social capital , family support serice and neighborhood and community centers in new sougt wales. www. mapl. com. au
38. Ronald. F. 2000. urban problem and community development. Social capital Jonrnal. V. 137 cz / 317-20
39. Fridman,Jan (1993),Toward a non-euclidian mode of planning, Apa Journal, Vol 482.
40. Capon,Noel,JohnU. (1990). Determinants of financial performance:a meta\_analysis. Management Science, Vol 36, pp1159-1143.
41. Gaynor, Gerard. (2002). Innovation by design: what it takes to keep your company on the cutting edge, New York, Amacom Books.

42. Damanpour, Fariborz. (1990). Innovation effectiveness, adoption and organizational performance, Innovation and creativity at work: Psychological and organizational strategies, pp141-125.
43. Li, Yuan, Yongbin Zhao, Yi Liu. (2006). The relationship between HRM, technology innovation and performance in China, Emerald Grup publishing Limited, International journal of Manpower, Vol27, pp697-679.
44. Jameson, Kenneth P. (2006) Has Institutionalism Won the Development Debate?; Journal of Economic Issues, Vol 40, No 2.
45. Knak, Stephen and Keefer, Philip (1997) Dose Social Capital Have Economic Pay off ? Across-Country Investigation; Qartly Journal of Economic, No. 1, November.
46. Meier, Gerald M. (2000) The Old Generation of Development Economic and the New; Printed in: Frontiers of Developmnet Economics; the Future in Perspective, Edited by Gerald M. Meier and Joseph E. Stiglitz, Oxford University Press.
47. Uphoff (1999), Understanding Social Capital: Learning from The Analysis and Experiences of Participation; in Dasgupta and Serageldin, Social Capital: A Multifaceted Perspective, World Bank, USA.